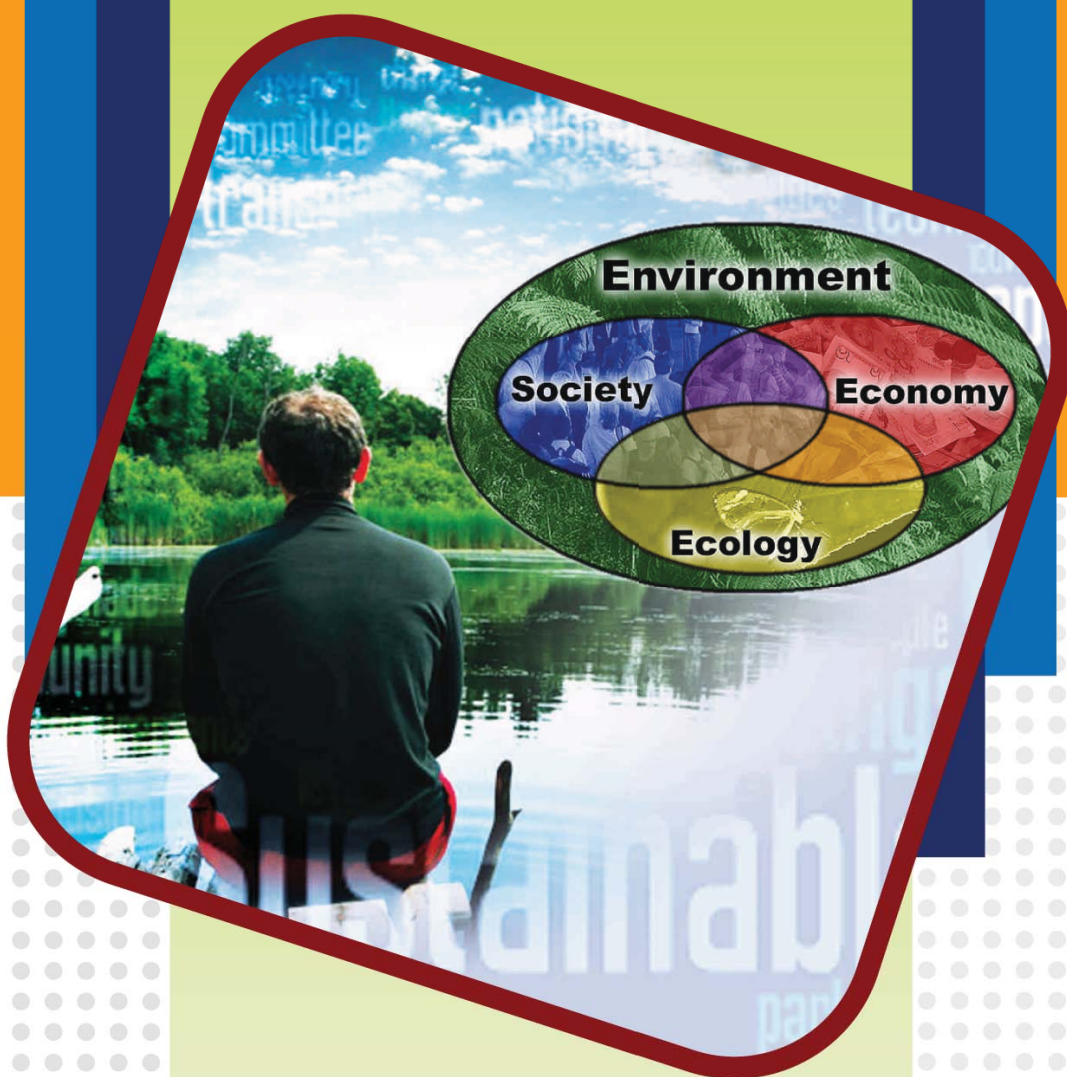


توسعه پایدار



مدیریت

بهداشت، ایمنی و محیط زیست

به نام خدا

توسعه پایدار

۱۳۹۱

تهران: خیابان طالقانی - شماره ۳۷۸ تلفن ۶۶۴۹۱۳۱۱ مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست

عنوان: توسعه پایدار

تهیه کننده: مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست شرکت ملی پالایش و پخش

ناشر: انتشارات روابط عمومی شرکت ملی پالایش و پخش

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

فهرست عناوین

صفحه	عنوان
.....	پیشگفتار
۱	مقدمه
۳	تعریف توسعه پایدار
۴	محیط زیست و توسعه پایدار
۶	ابزارهای توسعه پایدار
۹	روش‌های اجرایی
۱۳	منابع

پیشگفتار:

محیط‌زیست، جلوه‌ای است از پهن‌دشت بزرگ جهان آفرینش که خداوند سبحان آن را با قدرت شگرف و لایزال خود ساخته و پرداخته است. با توجه به رویارویی بشر امروزی با چالش‌های متعدد زیست‌محیطی از جمله آلودگی منابع آب، خاک، هوا، پدیده گرم شدن زمین، تخریب لایه اوزون و... همچنین مطابق با آموزه‌های دینی و همچنین اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست یک وظیفه عمومی تلقی می‌شود؛ به این معنی که کلیه افراد حقیقی و حقوقی موظف به حفظ محیط زیست هستند.

مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HS) شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در جهت ارتقای فرهنگ محیط زیست اقدام به انتشار مجموعه کتابچه‌های زیست‌محیطی با هدف آموزش مطالب علمی کاربردی و در عین حال ساده و روان در مقوله محیط زیست نموده است.

این مجموعه بی‌شک خالی از اشکالات فنی، نگارشی نیست. لذا مدیریت HSE از خوانندگان گرامی خواهشمند است نقطه نظرات و پیشنهادهای سازنده خود را در راستای غنای مطالب و ترویج فرهنگ عمومی زیست‌محیطی به این مدیریت منعکس نمایند.

پاییز ۱۳۹۰

مقدمه

احترام به زمین و محیط زیست ریشه در تاریخ بشر دارد و این احترام در بسیاری از داستان‌های اساطیری و فرهنگ‌های گوناگون ملل جهان به صورت برجسته نمایان است. انسان‌ها از آغاز دریافتند که رمز بقای آن‌ها در گرو هماهنگی با طبیعت است و آموختند که زوال طبیعت زوال آن‌هاست.

در یکی دو قرن اخیر، با اوج‌گیری توانایی‌های ابزاری بشر، تعادل زیست‌محیطی قرون گذشته به زیان طبیعت برهم خورد. لطمات وارده بر طبیعت در این دوران ابعاد اسفبار و در مواردی غیرقابل جبران یافت و در ربع آخر قرن بیستم، از مرز فاجعه نیز گذشت. اگر چه بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی بسیاری در زمینه‌های مربوط به «کولوژی» (زیست‌بوم) صورت می‌گرفت، ولی تخریب همچنان پر شتاب ادامه داشت، تا آن که اندیشمندانی بر آن تاختند. حرف آنان در آغاز تنها زمزمه‌هایی بود پراکنده اما، به زودی فریاد شد و سرتاسر جهان را فرا گرفت.

نگرانی‌های بشر در زمینه محیط زیست در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی هنگامی مشهود گردید که با توسعه صنعتی، استفاده از منابع محدود تجدیدپذیر و غیر قابل تجدید کره مسکون رو به فزونی نهاد. توسعه از یک سو با صنعت و فناوری و از سویی دیگر با تخریب و آلودگی‌های محیط زیست ارتباطی سازمان یافته دارد. امروزه دیگر حتی از دیدگاه دوستداران و متخصصان محیط زیست نمی‌توان متوقع بود که همراه با توسعه صنعتی که از ملزومات پیشرفت و رونق اقتصادی بشر است، محیط زیست، دست نخورده و بکر باقی بماند؛ زیرا که رشد

شدید جمعیت، نیازها و ملزوماتی را خواستار است که از طریق اینگونه فعالیت‌ها مرتفع می‌شود. مدیریت محیط زیست نیز به دنبال چنین امر محالی نیست. لیکن تقلیل آلودگی‌ها و کاهش اثرات تخریبی آن در حدی معقول و در روند توسعه پایدار^۱ همراه با استفاده از فناوری‌های متعادل و منطبق با وضعیت فیزیکی جامعه، همواره برای حفظ و تضمین سلامت، رشد و بقای حال و آینده موجودات زنده و بستر حیاتشان مد نظر بوده است. این امر مهم از طرق مختلف مدیریت صحیح، آموزش و تحقیقات محیط زیست، اعمال ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی (E.I.A.) قبل و بعد از اجرای هرگونه پروژه عمرانی (به ویژه صنعتی و معدنی) تصویب لوایح و قوانین لازم برای پیشگیری و بالآخره، کاربرد وسایل مورد لزوم و نظارت و پایش به موقع و صحیح، ممکن می‌شود. چنانچه همزمان با صنعتی شدن یک جامعه به امر مهمی چون محیط زیست توجه نشود، نه تنها توسعه اقتصادی حاصل نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌های زیادی به بار می‌آید که گاهی منافع حاصله از یک فعالیت صنعتی برای جامعه را در دراز مدت به طور کلی در راه جبران خسارت وارده از آن صرف خواهد کرد. در حالی که در بسیاری از موارد با کاربرد فناوری سازگار، هم محیط زیست محافظت می‌شود و هم با استفاده از پسماندهای باقیمانده از یک فعالیت صنعتی دیگر، نه تنها از به هدر رفتن منابع طبیعی و انسانی تا حدود زیادی جلوگیری می‌شود، بلکه با حفظ منابع تجدید ناپذیر یک کشور به همراه حفاظت محیط زیست، به بودجه اقتصادی جامعه نیز کمک شایانی خواهد شد. بدون شک، توسعه و تحولات صنعتی امکانات رفاهی بسیاری را در اختیار جوامع انسانی قرار داده است. ولی مشکلات زیست‌محیطی متفاوتی را نیز به موازات آن ممکن است برای جامعه فراهم آورد. گاهی این مشکلات ناشی از خود فناوری نبوده، بلکه به دنبال عدم توجه به نتایج جانبی و بالآخره عدم توجه به مقررات و ضوابط حاکم ایجاد می‌شود.

^۱.Sustainable Development

تعریف توسعه پایدار

توسعه پایدار یا Sustainable Development در حقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست است.

در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) آمد. این سازمان در گزارش خود با نام راهکاری برای حفظ منابع طبیعی، این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. پایداری می‌تواند چهار جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی. در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست‌محیطی تمرکز ندارد، بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می‌کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است (شکل ۱ و ۲).

یکی از مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار، نشست جهانی توسعه پایدار (WSSD) است. در این نشست توافقی‌هایی در زمینه توسعه پایدار میان شرکت‌کنندگان انجام شد. موارد زیر از اصلی‌ترین توافقات این نشست بود:

- کاهش تعداد افرادی که دسترسی به آب ندارد به نصف، تا سال ۲۰۱۵

میلادی

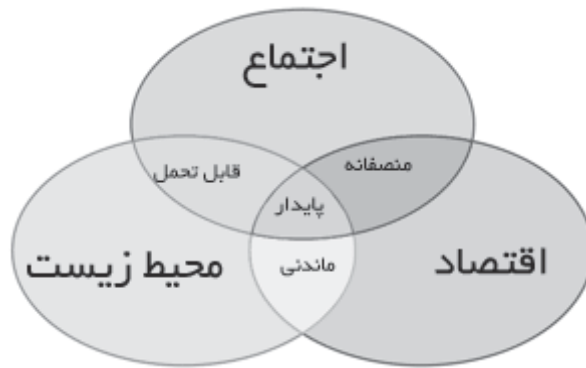
- به حداقل رساندن مواد شیمیایی که بر سلامت انسان و طبیعت اثرات مخرب می‌گذارند تا سال ۲۰۲۰ میلادی

- نصف کردن سرعت کاهش ذخیره‌های دریایی و رساندن منابع دریایی به سطحی پایدار تا سال ۲۰۱۵ میلادی

- کاهش روند از بین رفتن تنوع طبیعی، تا سال ۲۰۱۰ میلادی

- افزایش پایداری در استفاده از انرژی‌های تجدید شونده و برنامه‌ریزی برای

تدوین برنامه‌های ۱۰ ساله در مورد توسعه پایدار.



شکل ۱: توسعه پایدار، محل تلاقی اجتماع، اقتصاد و محیط زیست

هرچند این روزها بسیاری از دولتمردان و فعالان زیست‌محیطی به دنبال رسیدن به توسعه پایدار هستند، اما برخی فعالان زیست‌محیطی این گزینه را برای حفظ محیط زیست کافی نمی‌دانند.

آن‌ها معتقدند با توجه به روند استفاده از منابع تمام شونده و از بین بردن منابع در جهان واژه "توسعه پایدار" مناسب نیست و باید از لفظ جایگزینی چون "پایداری توسعه" استفاده کرد تا این مفهوم در ذهن تداعی نشود که قرار است منابع جدیدی تولید شود.

محیط زیست و توسعه پایدار

تجربه سیاست‌های زیست‌محیطی در کشورهای توسعه یافته که در دهه‌های گذشته دارای مبنای استاندارد (معیار) بوده‌اند، چنین نشان می‌دهد که استانداردها و فناوری‌های زیست‌محیطی به مثابه نوعی مانع در مقابل رشد اقتصادی عمل کرده و بهایی بسیار گزاف‌تر از آنچه که تصور می‌شود، به بار آورده‌اند، هر چند این کشورها با توجه به درآمدهای کلان خود همچنان قادر به پرداخت آن‌ها هستند. تشخیص این واقعیت، کشورهای در حال توسعه را واداشته است تا به دنبال راه‌های موثرتر و یا حداقل مقرون به صرفه‌تری برای نیل به سطح برابری

از حفاظت محیط زیست از طریق کاربرد ابزارهای تجاری یا اقتصادی باشند، با وجود این، هنوز کاربرد چنین ابزارهایی محدود است و محتوای آنها بیشتر پیرامون زمینه‌هایی فقط زیست‌محیطی است تا در زمینه توسعه پایدار.



شکل ۲: توسعه پایدار، محل تلاقی اقتصاد، اجتماع و محیط زیست

برای کشورهای در حال توسعه و در حال انتقال اقتصادی، جدایی بین سیاست زیست‌محیطی و سیاست اقتصادی و تلاش‌های مرتبط با نیل به توسعه پایدار چه در بعد اقتصادی و چه زیست‌محیطی، بی‌معنی و بالقوه فاجعه آمیز است. در این کشورها که سطح معیشتی به طور غیرقابل قبولی پایین و فقر، علت اصلی و نتیجه عمده تخریب محیط زیست است، استثمار منابع طبیعی، موتور رشد محسوب می‌شود و بالاخره در کشورهایی که اقتصادهای از قبل برنامه ریزی شده نداشته و برای تجدید ساختار و بهبود در حال مبارزه‌اند، اعمال فشار بر

فعالیت‌های اقتصادی در راستای حفظ محیط زیست به خاطر خودش به جای نوعی کمک به توسعه پایدار از استقبال بسیار اندکی برخوردار می‌شود. تحت چنین شرایطی سیاست‌های زیست‌محیطی را نمی‌توان از سیاست‌های اقتصادی و راهبردها (استراتژی‌ها) توسعه‌ای جدا کرد. به علاوه، تحت شرایط مطلوب رشد اقتصادی و تغییرات اساسی ساختاری، معیارها و فناوری‌های مفروض جایی برای تغییرات بر جای نمی‌گذارند و واکنش‌های متغیر و تطابق با شرایط دستخوش تغییرات سریع کاری، بسیار دشوار و پرهزینه است. مقررات حاکم کنترلی نیازمند بذل سخاوتمندانه منابعی از قبیل سرمایه، درآمدهای دولتی، مهارت‌های مدیریتی و توانمندی‌های حکومتی و اعمال قانون هستند (عواملی که در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای انتقالی بسیار کمیاب است).

ابزارهای توسعه پایدار

چالشی که در برابر کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال انتقال قرار گرفته، یافتن و گزینش ابزارهایی است که بتوانند سیاست‌های زیست‌محیطی و اقتصادی را با یکدیگر تلفیق کنند؛ یعنی ابزارهایی که در بهره‌برداری از منابع بسیار اندک توسعه‌ای و مدیریتی خست به خرج دهند، ابزارهایی که واکنش‌های متغیر واحدهای مختلف اقتصادی را مجاز ساخته و با انعطاف زیادی با شرایط متغیر زیست‌محیطی مطابقت یابند، ابزارهایی که تغییرات رفتاری را تشویق کرده و برای تأمین زیرساخت زیست‌محیطی، منابع مالی ایجاد کنند. جست‌وجو برای ابزارهایی جهت مدیریت زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای انتقالی خود نوعی جست‌وجو برای ابزارهای توسعه پایدار است. ابزارهای اقتصادی مانند عوارض مصرف‌کننده، جرایم تأثیراتی، هزینه‌های بهینه‌سازی، مالیات‌های آلودگی، مجوزهای قابل واگذاری آلودگی، حقوق توسعه قابل انتقال و پرداخت هزینه‌های خدمات زیست‌محیطی در کنار موارد مشابه دیگر چنین شرایطی را تأمین می‌سازند و تناسب بی‌نظیری با تلفیق سیاست‌های

اقتصادی و زیست‌محیطی دارند که می‌توان از آن در پیشبرد طراحی توسعه پایدار بهره جست.



شکل ۳

ابزارهای اقتصادی می‌توانند تغییرات رفتاری را از طریق تغییر در ساختار انگیزشی مصرف‌کننده و تولیدکننده به وجود آورند و این ساختار را به سوی اقدامات و گزینه‌هایی پایدارتر و صحیح‌تر از نظر زیست‌محیطی هدایت کنند. آن‌ها می‌توانند هزینه نیل به سطوح گوناگون پیشرفت و پایداری زیست‌محیطی را به حداقل برسانند و منابع مالی چشمگیری برای سرمایه‌گذاری‌های زیست‌محیطی و غیره به وجود آورند. در عین حال، ابزارهای اقتصادی در صورتی که درست انتخاب نشده و یا برای حل مشکلات خاص توان لازم را نداشته و با

محتوای اجتماعی فرهنگی محیط مورد نظر همخوانی نداشته باشند، می‌توانند مورد سوء استفاده قرار گیرند.

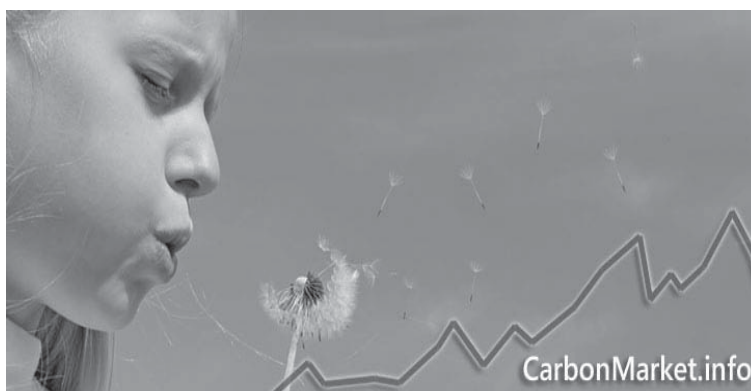
با وجود امتیازات فراوان ابزارهای اقتصادی در زمینه بازدهی و پایداری، استفاده آن‌ها بسیار محدود و اعمال آن‌ها با موانع بسیار روبرو می‌باشد. اول اینکه تجربه در زمینه ابزارهای اقتصادی بسیار محدود بوده و اکثر آن‌ها از خود کشورهای در حال توسعه به دست آمده‌اند نه از انگیزه‌هایی برای تغییرات رفتاری. ابزارهای اقتصادی در این کشورها به هیچ وجه به عنوان محتوای ابزار تلفیق سیاست‌های زیست‌محیطی و اقتصادی و یا محملی برای توسعه پایدار به کار برده نشده‌اند. با توجه به شرایط بسیار متغیری که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، تجربیات کشورهای توسعه یافته، کارآیی و قابلیت انتقال چندان در کشورهای در حال توسعه ندارند. با وجود این، در این تجربه‌ها درس‌های ارزشمندی برای کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد انتقالی نهفته است.

امتیاز مالی ابزارهای اقتصادی از سوی سیاست‌گذاران زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته، امری شناخته شده و قابل قبول است که بر اساس آن‌ها، هزینه آلودگی‌ها و مالیات بر اموال را اغلب به عنوان جرایمی درآمدزا و انگیزه‌هایی برای رفتار سالم‌تر زیست‌محیطی به کار می‌گیرند. جرایم مذکور آنقدر بالا در نظر گرفته می‌شود که هزینه‌های مورد نظر تأمین گردد (که اغلب هزینه‌های اقدامات نظارتی و تحکمی را پوشش می‌دهند ولی آنقدر بالا نیستند که باعث تغییر رفتار هم بشوند)

تأمین مالی توسعه پایدار، همیشه باید دارای نظامی مالی - انگیزشی باشد، مفهومی که حداقل دو معنی دارد. نخست، ابزار مالی نه تنها باید دارای هنجار باشد، بلکه باید با هدف کاهش افت‌های بازار، داخلی کردن رقابت‌های خارجی و تصحیح ساختار انگیزشی نیز باشد. دوم، تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های زیست‌محیطی باید دارای ارزش‌های تحلیلی (کاتالیستی)، چند برابر سازی و یا

اهرمی باشد تا منابع مالی دیگری را تحریک نموده و باعث تغییرات سیاستی بیشتری شود.

توسعه پایدار را می‌توان از لحاظ عملکردی، در قالب تأمین مالی آن بیان کرد. توسعه‌ای که هزینه‌های کامل خود را نپردازد (از جمله هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی) اغلب در طول جریان کار، از نظر اجتماعی غیر مطلوب و ناپایدار خواهد بود. تنها از طریق متصل کردن مفهوم ضمنی زیرساختار زیست‌محیطی، حفاظت از منابع و محیط زیست در مقابل فعالیت‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری خصوصی (و عمومی) که هزینه‌های اضافه بر محیط زیست، منابع طبیعی و زیرساخت موجود تحمیل می‌کنند، می‌توان به توسعه پایدار دست یافت و آن را حفظ کرد.



شکل ۴:

روش‌های اجرایی

از آنجا که هم مسایل نظری و هم جنبه‌های عملی ابزارهای اقتصادی با تجربیات تعداد روزافزونی از کشورها، در حال تحول هستند. هدف از این کتابچه، ارائه روش‌هایی نه همه جانبه بلکه نمایانگر چاره‌هایی خلاق است که در جهت حل مشکلاتی خاص کاربرد دارند.

- برای مرتفع ساختن مشکلات زیست‌محیطی کشور باید بیشتر به رشد اقتصادی و بسیج منابع داخلی متکی باشیم تا به کمک‌های مالی خارجی. کمک‌های مالی خارجی ممکن است در توانمندسازی تشکیلاتی و گهگاه در ایفای نقش کاتالیزوری در بسیج منابع مفید باشد، ولی هیچگاه نمی‌تواند در حل مشکلات جاری و اساسی موثر واقع شود.
- اهداف زیست‌محیطی واقع‌گرایانه و قابل دستیابی‌ای را تعیین کنند که با شرایط اجتماعی - اقتصادی کشورشان و الویت‌های ملی همگرایی داشته باشد و برای نیل به این اهداف از ابزار اقتصادی بهره‌جویند، اهداف بیش از حد بلند پروازانه، مقررات زیست‌محیطی بیش از حد سخت‌گیرانه و طرح‌ها و برنامه‌های زیست‌محیطی پر جزئیات که با وضعیت عمومی اجرایی و مالی کشور مطابقت نداشته باشد تنها به بی اعتبار ساختن سیاست‌های زیست‌محیطی و حکومت به عنوان متولی محیط زیست منجر خواهد شد.
- به دنبال بهسازی زیست‌محیطی بر مبنای انگیزشی باشید نه بر مبنای مقررات تحکمی و نظارتی.
- جریان سرمایه خصوصی را به طور کلی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم را به طور خاص تشویق کنید تا فشارهای مالی وارده بر تمام سرمایه‌گذاری‌ها (از جمله سرمایه‌گذاری‌های زیست‌محیطی) را کم کرده و به بهترین فناوری‌های زیست‌محیطی دسترسی یابید. آنچه بیش از همه سرمایه‌گذاران را فراری می‌دهد، مقررات خشک یا عوارض سنگین زیست‌محیطی نیست بلکه الف) سیاست‌های زیست‌محیطی غیر قابل پیش‌بینی و در حال تغییر مداوم، ب) معافیت کارخانجات داخلی یا دیگر رقبا به صورت بی‌نظم و تبعیض‌آمیز، ج) التزام‌های بی‌حد و حساب به خاطر آلودگی‌های گذشته است.
- سوابق آلودگی‌های گذشته را برای سرمایه‌گذاری احتمالی شفاف کنید تا

موانع احتمالی برای سرمایه‌گذاری خارجی و خصوصی سازی کارخانجات دولتی را کاهش دهید. غرامت دادن به صاحبان جدید صنایع دولتی خصوصی شده به خاطر هزینه‌های پاکسازی و یا دیگر مشکلات به ارث رسیده ناشی از آلودگی‌های گذشته نوعی راه حل موفقیت‌آمیز در تأمین مالی موثر توسعه پایدار زیست‌محیطی است و با وجود هزینه‌های بالای پاکسازی، باعث بالا رفتن قیمت سهام کارخانه می‌شود.

- بیشتر مسئولیت مالی حفاظت محیط زیست را به طرف‌های زیر انتقال دهید: الف) بخش خصوصی از طریق خصوصی سازی و اعمال الزام‌های زیست‌محیطی، نظام‌های استرداد سپرده، شهریه‌های تأثیراتی، عوارض بهسازی و قوانین شفاف زیست‌محیطی و ب) جوامع محلی و شهرداری‌ها از طریق تمرکززدایی و مراحل اخذ تصمیم و بسیج منابع، بخصوص مسئولان تعیین اولویت‌ها و صدور وام‌هایی برای تأمین مالی بهسازی زیست‌محیطی محلی در چارچوب کاملاً شفاف و کلی ملی. سیاست‌گذاران سیاست‌های زیست‌محیطی ملی در عین حال باید نقش فعال‌تری در روند خصوصی سازی، قیمت گذاری، مالیات بندی و تأیید سرمایه گذاری‌ها ایفا کنند.

- تلاش کنید تا انتظارات سیاست آتی قیمت گذاری زیست‌محیطی و چارچوب قانونی آن را از هم‌اکنون قالب‌ریزی کنید تا در طراحی تسهیلات جدید با قیمت پایین موفق و موثر باشید و مجبور نباشید با هزینه‌های بالا تسهیلات و تجهیزات کهنه موجود را نوسازی کنید.

- بحث‌های آزاد و مناظرات آگاهانه در زمینه مسایل زیست‌محیطی را ارتقا بخشیده و در زمینه تعاملات زیست‌محیطی/ توسعه و چاره‌های سیاستی (از جمله هزینه‌های عدم اقدام) بحث‌هایی برای جذب عامه مردم در جهت تشریک مساعی در تعیین اولویت‌ها و حمایت از اولویت‌های منتخب ترتیب دهید. درک و تحسین منافع سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های

زیست‌محیطی و هزینه‌های فرصتی موجود، کلید اراده و میل مردم در پرداخت مستقیم از طریق شهریه‌های کاربری یا غیر مستقیم از طریق مالیات بندی و مقررات، و بدین ترتیب کلید پایداری مالی است.

- اهداف زیست‌محیطی، سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مربوطه را از طریق تجزیه و تحلیل‌های سود و زیان و تشریح مساعی وسیع مردمی در اولویت قرار دهید تا از منابع محدود موجود حداکثر فایده را برده، منابع جدیدی نیز ایجاد کنید. برآورد منافع و مقایسه آن‌ها با هزینه‌های فرصتی که تا این اواخر نوعی تجمل خاص اقتصادهای غربی که می‌توانند اسراف‌های زیادی را تحمل کنند به شمار می‌رفت، در حال حاضر یک ضرورت اصولی برای کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال انتقال است که دارای منابع اندک و نیازهای عظیم هستند. هیچ توجهی برای سرمایه‌گذاری‌های زیست‌محیطی که دربرگیرنده هزینه‌های فرصتی زیادی هستند به صورت فرصت‌های از دست رفته توسعه‌ای وجود ندارد؛ بخصوص هنگامی که سیاست‌های به طور کامل موفق و سرمایه‌گذاری‌های بی‌شکست مثل سیاست‌های مربوط به ارتقای بازده انرژی و جلوگیری از استفاده اسراف آمیز آب، دست نخورده مانده‌اند. پس از سیاست‌های موفقیت‌آمیز، سرمایه‌گذاری‌های کم هزینه و پر منفعت حفاظت زیست‌محیطی باید قبل از هر گونه سرمایه‌گذاری که دربرگیرنده تعاملات زیست‌محیطی - اقتصادی دشوار است، به اجرا گذارده شود.

- کمک‌های محدود مردمی را برای بسیج سایر منابع مالی از بخش خصوصی و منابع جاری برای مرتفع ساختن فشارهای کوتاه مدت مالی به کار ببندید، بخصوص زمانی که تمام اصلاحات ضروری برای توسعه بازارهای سرمایه‌ای محلی به عمل آمده و تأثیرگذار شده‌اند. این امر می‌تواند به صورت ضمانت‌های حکومتی، مشارکت در زیان، کمک‌های در گردش و از این قبیل باشد. کمک‌های مالی زیست‌محیطی موجود نیز در

چنین بسیجی شرکت داده می‌شوند، ولی فقط به عنوان یکی از اهداف متعدد و یا به عنوان محصول جنبی تأمین مالی محدوده‌ها و تأمین مالی مشترک ضرورت‌ها. کمک‌های محدود مردمی حتی از این هم بیشتر در توسعه پایدار موثرند به شرط این که یارانه‌ها و کمک‌های اعطایی و وام‌های نرم با ابزارهای به حداکثر رساندن این بسیج جایگزین شوند.

منابع

۱. ابزارهای تحول (برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار)، تألیف: تتودور پانایوتو؛
۲. توسعه و توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم، تألیف: حسین نصیری؛
۳. همایش راهبردهای توسعه پایدار در بخش‌های اجرایی کشور، کمیته ملی توسعه پایدار.

